

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مثلث جرم و جنایت امریکا برای از بین بردن انقلاب شام



(ترجمه)

انقلاب شام از آغاز مبارکش، هفت سال است که همواره در برابر توطئه‌ها و مکر دولت‌های کفری به ویژه امریکا قرار داشته و هیچگاه این توطئه‌ها متوقف نگردیده است. امریکا خطر این انقلاب و واقعیت و نفوذ آن را درین منطقه استراتژیک از جهان به خوبی درک کرده و می‌داند که چه خطری وی را تهدید می‌کند. این انقلاب از خانه‌های الله سبحانه و تعالی (مساجد) به پاخواست و بسیار واضح حامل اسلام بود؛ از اسلام جان می‌گرفت، روان اسلام را داشت و این شعارها را سر می‌داد: "هی لله هی لله (این تنها برای رضای الله می‌باشد، این تنها برای رضای الله می‌باشد) و قاعدنا للابد سیدنا محمد(تا ابد رهبر ما تنها سرور ما محمد صلی الله علیه وسلم است.)"

هدف از توطئه‌های دولت‌های کفری به تمام اشکال متفاوت آن، همواره از بین بردن انقلاب شام می‌باشد؛ لکن خطرناک‌ترین این توطئه‌ها تاکنون توطئه کنفرانس‌های آستانه می‌باشد، طوری که ساحه را به دروغ- به مناطق کاهش تنش تقسیم و باعث ظهور نمایندگان سه‌گانه جرم و جنایت (روسیه، ایران و ترکیه) شد؛ دولت‌هایی که جز اجرای نقشه امریکا برای محافظت نظام از سقوط و پس‌گیری مناطق یکی پس از دیگری، هدف غیر از آن را نداشتند.

هریک از این ترکیب سه‌گانه جرم و جنایت برای اجرای این نقشه مکلفیتی را به عهده داشتند: روسیه و ایران مسئولیت حمایت از نظام، رساندن اسباب و سایل حیات به آن و کمک آن برای بلعیدن یک منطقه پس از دیگری از مناطق تحت کنترل مجاهدین را به عهده داشتند، طوری که بدین ترتیب نظام توانست که غوطه شرقی و حومه جنوب ادلب، شرق سکه، حومه شمال حمص، حوران

و قنيطره را از مجاهدین پس بگیرد؛ اما وظیفه ترکیه این بود که انقلابیون را از هر اقدام در برابر جنایات نظام و حامیانش باز داشته و نگذارد که دوباره مناطق ازدست‌رفته را توسط نظام پس گیرند. ترکیه وظیفه داشت که با وعده‌های واهی به انقلابیون امید داده، شاخه‌یی را که به ظاهر زیتون سبز و در واقع جز رنج و بلاء چیزی دیگری برای اهل شام و انقلاب‌شان نبود، حمل نماید.

این دولت‌ها فقط مطابق یک طرح از پیش برنامه‌ریزی شده عمل می‌نمایند؛ بهترین دلیل آن قتل عام وحشتناک چند وقت پیش در اورم کبری در حومه غربی حلب می‌باشد، چنانچه جنگنده‌های روسی شهر را هدف قرار داده و ده‌ها تن از شهروندان عادی را نیز شهید و زخمی می‌نمایند (در منطقه‌یی که تحت تضمین دولت ترکیه قرار داشته است)؛ تضمینی که هیچگاه نتوانست حتی از شهروندان غیرمسلح حمایت کند؛ مگر این که هدف از این توطئه‌ها و برنامه‌های فضح، تنها از بین بردن اهل شام و انقلاب‌شان می‌باشد؛ بلکه ما دیدیم که چگونه امریکا از ضمانت عدم تحرک نظام در جنوب شانه خالی نمود. بدتر از آن، بعد از این که تعدادی از گروه‌ها را از اقدام به هر عملی که منجر به کمک به غوطه و برخی از مناطق دیگر می‌شد، باز داشت. سفیر امریکا به صراحت به رهبران این گروه‌ها گفت: «ما به شما کمک نمی‌کنیم، این مشکل خود شماست، انتخاب کنید که چگونه با نظام تعامل داشته باشید.»

این توطئه‌ها ساحه را به مناطق گوناگون تقسیم نمود، طوری که بعداً هر گروه در هر منطقه‌ای که قرار داشتند، تنها در مورد خود فکر کرده و تمام نگرانی‌اش حفظ امنیتی می‌باشد که به وسیله نظام و هم‌پیمانانش هرازگاهی به تهدید مواجه است. شعار سقوط نظام، شعاری که مردم در ابتدای انقلاب سر می‌دادند، دیگر در قاموس این گروه‌ها وجود ندارد، رهبر هر گروه در تلاش تأمین منافع گروه‌اش می‌باشد و می‌خواهد زمان بیشتر زنده بوده و چیزهای بیشتر بدست آورد.

آنچه که دولت‌های ضامن جرم و جنایت بر سر ادلب آورده‌اند، از سیاق عام آن توطئه‌هایی که دولت‌های کفری از همان ابتداء برای انقلاب شام طرح نموده‌اند، بیرون نیست. تمام تلاش دولت‌های کفری از بین رفتن انقلاب و بازگشت مناطق و مشروعیتی برای نظام بوده است، قطع نظر از شخصیت‌ها و اسامی مشخص در نظام، در یک چهارچوب سیکولری دوباره تحمیل شده بر اهل شام، نظامی که تابع رأس کفر امریکا باشد، طرحی که هم از طریق اقدامات سیاسی و هم از طریق اقدامات نظامی تطبیق می‌شود. همانگونه که روسیه بر این اشاره نمود که در ادلب عملیات نظامی گسترده‌ای نخواهد بود، که در آن صورت زمان اجرای اقدامات سیاسی و نقش خبیث دولت ترکیه فرامی‌رسد، ترکیه استناد بر این که نباید کاری کرد که باعث تحریک نظام شد، بر انقلابیون و جبهات فشار آورده تا از هرگونه اقدامی در برابر جنایات نظام و حامیانش خودداری کنند؛ دام بزرگی که اراده انقلابیون را از آنان سلب نموده و دیگر قادر به رویاروی نظامی با نظام نباشند و ناچار بزودی وارد یک حل و فصل ملعون و بدنام شوند.

باید به تمام این اقدامات سیاسی و نظامی، که از جهت‌های مشخصی انجام می‌شوند، توجه صورت گرفته و دانسته شود که این دولت‌های ضامن، جز ابزاری به دست امریکا چیزی دیگری نیستند؛ این‌ها ابزاری اند که در تحقق اهداف امریکا برای از بین بردن انقلاب استعمال می‌شوند. این می‌طلبد که نباید به وعده‌های دولت‌های به ظاهر کمک‌کننده و مخصوصاً این دولت‌های ضامن اعتماد کرد. این دولت‌ها بعد از این که انقلابیون مخلص را از بین بردند، گروه‌های وابسته به خود را نیز در میدان تنها می‌گذارند و

به مجردی که به هدف خود برسند، از صحنه بیرون می‌شوند، هیچ توجهی به فریاد غیرنظامیان نداشته و ندای مظلومین را گوش نخواهند داد.

بنابر این، بر انقلابیون مخصوصاً بر مخلصین آن‌ها لازم است که به این امور توجه کامل داشته، دست همت به کمر زده، توطئه‌های امریکا، ابزار و دنباله‌روان آن را خنثی و سیرت اولی انقلاب را برایش برگردانند، لکن نباید فراموش کرد که چنین نخواهد شد؛ مگر این که انقلابیون فعالیت‌های خویش را در جهت بنای رهبری سیاسی و زیرکی، که برنامه امت را بدوش کشد، جهت دهند؛ برنامه اسلام با عظمت، برنامه خلافت راشده برمنهج نبوت، برنامه‌ی بی‌که تنها شنیدن نامش لرزه بر جان کفار انداخته و جغ‌جغ‌شان را بلند می‌کند. انقلابیون باید با بصیرت کامل در مسیر ثوابت واضح و روشن و بر طریقه تعیین شده و مشخص، سیر نمایند تا این که هدف والای امت اسلامی تحقق یافته و برنامه اسلام عظیم تطبیق شود، عزت و کرامت از دست رفته امت برایش باز گردد، چون امت اسلامی تنها در سایه خلافت راشده برمنهج نبوت دارای عزت خواهی بود و بس.

در اخیر نیز نباید فراموش کرد که امت اسلامی هرگز مأیوس نشده، به عکس آنچه بزندان لفلفه می‌کنند. هنوز فرصت از دست نرفته است، زیرا این انقلاب به محض شعله‌ورشدنش، زمانی که یک وجب هم از سرزمین سوریه از چنگال بشار آزاد نشده بود، پایه های نظام را به لرزه در آورد، چون این انقلاب مانند درگیری‌هایی که برای به دست آوردن یک شهر و یا یک منطقه صورت می‌گیرد، نیست؛ بلکه این انقلاب، انقلاب فکر و احساسات می‌باشد، انقلابی که بحمدالله هم‌چنان در سینه‌های مردم شعله‌ور باقی خواهد ماند؛ در حالی که نظام و حامیانش ضعیف‌تر و ضعیف‌تر خواهند شد. چند وقت پیش یک مشاور ایرانی گفت: «هرزمانی که ایران و روسیه از سوریه بیرون شوند، تروریست‌ها باز می‌گردند.» این موضوع این را می‌رساند که عمر نظام در مراحل اخیر خود رسیده است و نصرت، راستی همراهی الله سبحانه و تعالی را طلبیده و سراغ مخلصینی را می‌گیرد که برای بازگشت منهج الله سبحانه و تعالی تلاش می‌کنند؛ منهجی که زمین را بعد از این که باراز ظلم و بی‌عدالتی می‌باشد، مملو از عدل و دادرسی می‌کند. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾

[روم: 4-5]

ترجمه: عاقبت و نتیجه هرکار پیش از آن و بعد از آن در سیطره اراده و فرمان الله (سبحانه و تعالی) می‌باشد، آن روز که نصرت الله (سبحانه و تعالی) سر رسد، مؤمنین خوشحال خواهند شد. الله (سبحانه و تعالی) هرکس را که بخواهد، نصرت می‌دهد و تنها او توانای شکست ناپذیر و مهربان است.

نویسنده: دکتر محمد الحورانی

عضو کمیته مرکزی ارتباطات حزب التحریر-ولایه سوریه

4 ذی الحجه 1439 هـ.ق

15 اگست 2018 م